

احساس و هیجان در نهج البلاغه

چکیده

اصطلاح هیجان در روانشناسی یک واکنش کلی و کوتاه ارگانیسم به یک موقعیت غیر منتظره ، همراه با یک حالت عاطفی خوشایند یا نا خوشایند تعریف شده است . پژوهش حاضر به منظور بررسی احساس هیجان در نهج البلاغه از دیدگاه امام علی (ع) صورت گرفته است . این پژوهش با استفاده از روش توصیفی ، کتابخانه ای مورد بررسی قرار گرفته است . در این مقاله پس از جمع بندی و بررسی مفاهیم کلیدی و ابعاد هیجان از قبیل مسئولیت پذیری ، خود شناسی ، خردورزی و از خود بیگانگی از دیدگاه امام علی (ع) ؛ به بررسی انطباقی نظرات دانشمندان اسلامی ، غیر اسلامی و نهج البلاغه در مورد هیجان پرداخته می شود که بیانگر این مفهوم است که آیا احساس هیجان در نهج البلاغه همان هیجان در علم روانشناسی است یا برعکس . نتایج برآمده از پژوهش حاضر آن است که هر فرد عادی دارای عواطفی است که زندگی بدون عواطف زندگی تیره و تار خواهد شد . هدف اصلی هیجان باید آن باشد که تعادل از میان رفته در اثر اضطراب را به او برگرداند و سعادت او را که عبارت است از حفظ تعادل و سازگاری با محیط و اجتماع است را تامین کند . لذا با در نظر گرفتن اهمیت احساس هیجان ، در این مقاله سعی بر آن شده است که هم به صورت علمی و هم با تاکید بر احادیث مرتبط در نهج البلاغه معنا و مفهوم کاملتری از احساس هیجان مورد بررسی واقع شود

واژگان کلیدی

احساس ، هیجان ، نهج البلاغه

مقدمه

علی (ع) پیشوای سخنوران و سرآمد همه زبان آوران و اهل بلاغت است. بعد از قرآن کریم و سخنان پیامبر (ص) هیچ سخنی در زبان عرب به عمق و شکوه و استواری سخنان علی (ع) نیست. نهج البلاغه، کتابی که بحق برادر قرآن کریم لقب گرفته، پس از قرآن و حدیث پیامبر مهمترین منبع شناخت اسلام و آموزه های دینی است.

نهج البلاغه تراوشات روح بلند و آسمانی انسانی کامل است که شاگرد اول مکتب وحی و نمونه و الگوی راستین انسانیت و مظهر تام کمالات و فضایل انسانی است. نهج البلاغه نه فقط یک کتاب والا، بلکه اقیانوسی است که مرتبه ای فرو دین از روح کهکشانی فرازین امام علی (ع) است. از این رو اگر این کتاب بزرگ را کتابی کامل بنامیم بیراهه نرفته ایم. بسامد بالای واژه انسان و مفاهیم مربوط به او نیز در نهج البلاغه گواه روشن این نامگذاری است. انسان شناسی از مباحثی است که در نهج البلاغه در ابعاد وسیعی مورد بررسی واقع شده است. نگاه های جامعه شناسانه، روانشناسانه، حکیمانه و عارفانه و ... به انسان دوخته شده تا به عظمت و زوایای پنهان وجود این شگفتی آفرینش پی ببرند. (طاهری، ۱۳۸۱)

یکی از مفاهیم فنی و تخصصی در نهج البلاغه مباحث مربوط به روانشناسی و روانکاوی و روانشناسی بالینی است که به شناخت انسان از جنبه های مختلف روحی، روانی، پژوهشی، تربیتی، اخلاقی و ... پرداخته است. با توجه به اهمیت این موضوع این مفاهیم نیاز به ترجمه و تفسیر دقیقی دارند تا ابعاد و مفاهیم آن در زمینه روانشناسی کشف و شناسایی گردد. از جمله مسائل مربوط به روانشناسی انسان در نهج البلاغه عبارتند از: انسان و روابط، خود باوری و از خود بیگانگی، آسیب شناسی شخصیت و سیمای انسانهای خود باخته... .
به امید آنکه گاهی در راه شناخت انسان و پرورش او در جامعه برداشته باشیم.

اهمیت و ضرورت تحقیق

نهج البلاغه بزرگترین اثر جاودانه در دایره فرهنگ ، علم و اندیشه بشری کتابی است مشحون از درسهای زندگانی انسانی ، اعم از سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی ، اخلاقی و پرورشی نهج البلاغه مجموعه ای از سخنرانی ها (خطبه ها) نامه ها و کلمات کوتاه و حکمت آمیز امام علی (ع) است که بخش اول خطبه ها ؛ بخش دوم نامه ها ؛ بخش سوم حکمتهاست . (دشتی ، ۱۳۸۵ ، ص ۱۰)

با توجه به شناسایی و جمع آوری ترجمه و تفاسیری که تاکنون در زمینه نهج البلاغه صورت گرفته است به بررسی اهداف و شیوه های نهج البلاغه می پردازند . هنوز هم کمبودها و نیازهایی در زمینه های متعدد از جمله در زمینه روانشناسی در نهج البلاغه احساس می شود . مباحث مربوط به روانشناسی و روانکاوی در نهج البلاغه از جمله مباحثی است که نیاز به ترجمه و تفسیر دقیقی دارد تا تمام ابعاد و مفاهیم عمیق روانکاوی و روان دروانی و تربیتی این کتاب کشف و شناسایی گردد . احساس هیجان یکی از اصول مباحث روان شناسی است ، هیجان یکی از تغییرات ناگهانی است که بعد از یک ادراک حسی یا تصور یادآوری آن در رفتار فرد ایجاد می شود که با اضطراب بدی همراه است در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است . بنابراین با توجه به واقعیت های یاد شده و با درک نیاز های نسل معاصر بر آن شدیم تا تحقیقی با موضوع احساس هیجان در نهج البلاغه را ارائه دهیم .

بررسی احساس هیجان

تا وقتی که از کسی نخواستید باشید هیجان را تعریف کند می داند که هیجان چیست . اما وقتی قصد دارد هیجان را تعریف کند تازه مشکل آغاز می شود . هیجان به صورت پدیده های ذهنی ، زیستی هدفمند و اجتماعی وجود دارد . هیجان از این نظر احساس های ذهنی هستند که باعث می شوند حالت خاصی مثل عصبانیت یا شادی را احساس کنیم . آنها پاسخ های بسیج کننده انرژی اند که بدم را برای سازگار شدن یا هر موقعیتی که روبرو می شویم آماده می سازند . هیجان ما از این لحاظ هدفمند هستند که ما را به فعالیت و می دارند مانند گرسنگی که هدف دارد .

هیجانها پدیده های اجتماعی نیز هستند . وقتی هیجانی می شویم علایم قابل تشخیص چهره ای ژستی و کلامی می فرستیم که کیفیت هیجان پذیری ما را به دیگران منتقل می کند . با توجه به این چهار ویژگی معلوم می شود که تعریف هیجان کار دشواری است . هیجان یعنی واکنش کلی ، شدید و کوتاه ارگانسیم به یک موقعیت غیرمنتظره ، همراه با یک حالت عاطفی خوشایند یا ناخوشایند . هیجان معطوف به حالت های گذار است (مثل خشم ، اندوه ، شادی و ...) که فوراً منجر به رفتار نمی شود .

هیجان و انگیزش

هیجان عبارت است از انگیزش شدید که موجب پیدایش واکنش های فیزیولوژیک آشکار همراه با حالت عاطفی در موجود زنده می شود . انگیزش و رفتار هیجانی ارتباطی تنگاتنگ با هم دارند . همانطور که انگیزش یکی از عوامل اصلی رفتار است و روی ادراک یادگیری ، حافظه و غیره اثر می گذارد حالت هیجانی نیز بر روی رفتار موثرند .

بحث عواطف و هیجانها تحت عنوان انگیزش به این جهت است که آنها کار انگیزه ها را انجام می دهد . در حقیقت کلمه عاطفه یا هیجان کاملاً به معنی هیجانی شدن است . هیجانها نیز همچون یک انگیزه شخص را به جنب و جوش یا حرکت تحریک می کند . در هر حال بین هیجان و انگیزش بستگی زیادی وجود دارد و هیجان میتواند با رفتار برانگیخته

و همراه باشد . بنابراین هیجان ، انگیزه رفتار است . (شعاری نژاد ، ۱۳۵۴ ، ص ۲۵۳)

با همه این شباهت ها لازم است تفاوت‌هایی هم میان انگیزه و هیجان قایل شویم. یکی از تفاوت‌های مرسوم آن این است که هیجان از بیرون برانگیخته می‌شود و انگیزه از درون. یعنی هیجان را معمولاً واقع‌ای بیرونی برمی‌انگیزد و واکنش هیجانی، واکنشی معطوف به این واقع‌ه است در حالی که انگیزه اغلب با واقع‌ه‌ای درونی (مثل عدم تعادل حیاتی) برانگیخته می‌شود و به‌طور طبیعی به عینیت‌های خاصی در محیط (غذا، آب، جفت و...) معطوف است. تفاوت دیگر انگیزه هیجان در این است که انگیزه را معمولاً نیازی مشخص تحریک می‌کند. در حالی که هیجان بر اثر انواع و اقسام محرک‌ها تحریک می‌شود. و خلاصه انگیزه و هیجان از نظر منبع تحریک احساس درون ذهنی ناشی از آنها و اثری که بر رفتار میگذارد آنقدر با یکدیگر تفاوت دارند.

بررسی ابعاد هیجان از دیدگاه نهج البلاغه

عواطف و هیجان دارای ابعاد مثبت و منفی می‌باشد.

ابعاد مثبت عبارتند از:

۱- مسئولیت‌پذیری

یکی از ابعاد هیجان که از دیدگاه نهج البلاغه باعث بالندگی انسان می‌شود مسئولیت‌پذیری است. انسان مسئولیت‌های متفاوتی دارد. گاهی در برابر خدا و گاهی در برابر خلق، گاهی در برابر طبیعت مسئولیت‌هایی دارد که هر کدام در جایگاه خویش از اهمیت بسزایی برخوردارند. و آن تعهدات و مسئولیت‌ها زمینه بالندگی و تعالی انسان را فراهم می‌کند.

مهمترین مسئولیت انسان در برابر خداوند، اعتقاد سالم و درست نسبت به ذات اقدس ربوبی است. اسلام پیام آور بزرگ اعتقاد به توحید ناب حقیقی است. از دیدگاه روانشناسان بر ابعاد مثبت هیجان تأکید زیادی شده است. از جمله مسئولیت‌پذیری که از ابعاد مثبت هیجان است، موجب رشد و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های نهفته انسان می‌شود. که این خود باعث پرورش روح رهبری و مدیریت می‌شود. بنابراین انسان می‌تواند در مسیر تکامل و سعادت خویش گام بردارد.

۲- دوراندیشی

یکی دیگر از ویژگی‌های اهل تقوا و سلوک تدبیر و دوراندیشی همراه با نرم‌خویی و تحمل درشتیهای بندگان خداوند سبحان است.

این صفت یکی از اساسی‌ترین صفات و ضمیر مایه برنامه‌ریزی صحیح برای نیل به سعادت جاوید و صعود به مراتب والای عرفان است، که یک عارف کامل با دوراندیشی و نرم‌خویی و تحمل مشکلات طبق برنامه‌ای که از طرف خداوند سبحان تنظیم شده و توسط پیامبران الهی ابلاغ و تبیین شده است خود را تزکیه و تهذیب می‌نماید تا به لقا الهی راه یابد.

جلوه‌های دوراندیشی

اگر اندیشه و افکار انسان با چراغ دوراندیشی منور گردد، بطور قطع پرتو آن در عمل نیز جلوه‌گر خواهد شد. و آثار گرانقدری نیز در پی خواهد داشت که به برخی از آنها از زبان حضرات معصومین (ع) اشاره می‌شود:

۱- وفا به عهد: تدبیر و دوراندیشی ایجاب میکند که انسان هر پیمان و قراردادی را طبق مفاد آن انجام دهد.

۲- مبارزه با نفس: انسان دوراندیش همیشه با نفس که بزرگترین دشمن انسان است در مبارزه است. امام علی (ع) در این باره میفرماید:

مَنْ كُرِمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ «هر کس را نفس کریم و بزرگوار شد (خود را ارجمند دانست)، شهوت‌هایش نزد او خوار می‌گردد.» (علی نقی، ۱۳۵۱، ص ۳۵۶)

۳- استقامت: انسان دوراندیش در برابر سختی‌ها دارای پشتکار و استقامت است.

۴- صبر: متقین چون اهل سیر و سلوک هستند برای رسیدن به هدف عالی باید تهذیب کنند و حالت خشم و غضب خطرناکترین حالات انسان است، باید کنترل شود. بر هر انسان مومن لازم است که خشم و غضب خود را تحت فرمان عقل و شرع درآورد و به جای خشم از خود صبر و شکیبایی نشان دهد. و طوری نباشد که انسان را از حال اختیار خارج کند. (دهقانی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۷)

۳- خودشناسی

امام علی(ع) خودشناسی را آگاهی به موقعیت واقعی خویش و زمینه ساز شناخت وظایف انسانی و عمل به وظایف می‌داند که این دو نشانه خدباوری انسان است.

به این ترتیب: ۱- خودشناسی نشانه دانایی است و خودشناسی نشانه نادانی است. ۲- ناخوشایندترین بنده در نزد خداوند کسی است که در حد اعتدال پافراتر نهاده و به حرکت‌های غیرمنطقی دست یازد.

۳- انسانی خود باور معرفی شده است که در حد اعتدال به کار دنیا و آخرت خویش پردازد و زمینه‌های تعالی علمی و معنوی خود را فراهم سازد نه آنکه به جهل و غفلت عمر بگذراند. (ظاهری، ۱۳۸۱، ص ۸۴)

می‌گویند خودشناسی مقدم بر خداشناسی است. انسان تا خود را نشناسد نمی‌تواند خدا را بشناسد. این از جهات متعدد درست است نه از یک جهت. یک جهت این است که باید وضع دستگام‌گیرنده فکری خود را بشناسد. باید خود را به ضعف و قصور و نقص بشناسد تا خدا را به کمال و قوت بشناسد. باید قصور فهم و ادراک خود را بشناسد که تا موجودی محدود و ناقص نباشد و تا او را ضدی نقطه‌مقابلی نباشد نمی‌تواند او را بشناسد. پس طمع نکند که من باید خداوند را با حسی از حواس خود درک کنم.

باید بدانم که محسوساتش هم اگر همه یکنواخت بود، اگر همیشه یک رنگ را می‌دید او را نمی‌شناخت؛ اگر همیشه یک صدا را یکنواخت می‌شنید باز او را نمی‌شناخت و از وجودش آگاه نمی‌شد؛ اگر همیشه یک بو به مشامش می‌رسید ابداً متوجه آن نمی‌شد. بشر خیال نکند خدا از او مخفی شده بلکه باید بفهمد که تنها ظهور یک حقیقت کافی نیست برای فهم و ادراک بشر وجود نقطه‌مقابل هم کمک می‌کند نور ذات خدا محیط‌ازلی و ابدی است؛ غروب و افولی ندارد و از همین جهت، ادراکات ضعیف بشر عاجز است که او را درک کند. (مظهری، ۱۳۸۱، ص ۳۶۸)

۴- خردورزی

نتایجی که از پیرامون خردورزی در نهج البلاغه بدست آمده است عبارت‌اند از:

* خرد راهنمای انسان در تشخیص حق و باطل و یا عوامل سقوط و تکامل است.

* خرد از نعمت‌های است که خداوند در انسان به ودیعت نهاده تا او را از خطرات حفظ کند.

* عقل قابل رشد و تکامل و یا قابل تقویت یا تضعیف است که انسان‌های بالنده و خود باور در احیا و تقویت آن می‌کوشند.

ابعاد منفی هیجان عبارت اند از :

۱- سلطه پذیری

درباره از خود بیگانگی انسانهای تحت سلطه (چه سلطه ی شیطان و یا ستمگران و طاغوتیان)

در نهج البلاغه سخن بسیار است که در عبارت فوق این چند نکته مطرح شده است :

* آغاز از خود بیگانگی ، اعتماد به شیطان و قدرتهای سلطه گرایانه است.

* مرحله دوم از خود بیگانگی ، پذیرش فعالیتهای سلطه گرایان است.

* مرحله سوم از خود بیگانگی ، همراهی و همگانی با سلطه گران است .

* مرحله چهارم و نهایی آن تبدیل شدن به ابزاری در دست سلطه گران است .

۲- عشق دروغین

امام علی (ع) یکی از زمینه های از خودبیگانگی انسان را عشق های مجازی و ره گم کرده ای می داند که بدون آگاهی

لازم ، به دنیا و زیور ها و پریچهرگان دل می بندد .

این عشق ها نه تنها انسان را به سعادت و کمال نمی رسانند ، بلکه باعث گم کردن خویش در طوفانهای حوادث آنان

است و پیامد های این ره گم کردن عبارت اند از :

۱- کوری باطن ۲- بیماری دل ۳- دل مردگی ۴- کنار زدن عقل ۵- بردگی (دنیا و دنیا داران) .

یکی از بسترهایی که انسان برای از خودبیگانگی فراهم می کند عشقهای ناروا و نابجاست (طاهری ، ۱۳۸۱ ، ص ۹۳)

۳- خوف

خوف عبارت است از تألم و سوزش دل به سبب امر مکروهی که انتظار وقوع آن در آینده می رود .

مرحله خوف یکی از مراحل سیر و سلوک راه حق سبحانه است ، خوف گاهی در کنار « خشیت » و گاهی در کنار

« ترس » و « رهبت » یاد می شود ، خشیت و ترس به هم نزدیک است ولی خوف ، از اینها فاصله دارد ، خشیت از

حالت درونی است که از اعتقاد به تأثیر و عظمت موجودی عظیم نشأت می گیرد و اما خوف ترتیب آثار علمی

است . (دهقانی ، ۱۳۸۴ ، ص ۲۶۲)

ترس از دیدگاه دانشمندان اسلامی اینچنین تعریف شده است :

ترس حالت انفعالی است که در اثر انتظار داشتن یک امر ناخوشایند پدید می آید. ابن قیم ، بحث خود درباره ترس را

تنها در حوزه دین متمرکز می سازد و در خصوص ترس از خدای متعال سخن می گوید که یکی از شالوده های مهم

ایمان به شمار می رود . خدای متعال می فرماید : " پس از مردم نهراسید و از من بترسید . "

امام علی(ع) در این باره می فرماید : « اعلمکم اخوفکم » : داناترین شما ترسنده ترین شماست . به علاوه ، خداوند ،

پیامبران علیهم السلام را بدلیل ترسی که از او دارند ، می ستاید و می فرماید : " آنان در کارهای خیر به سرعت اقدام می

کردند و در حال بیم و امید می خواندند... " و هر قدر بنده ، خداشناس تر گردد ، خدا ترس تر خواهد شد، که خدای

متعال فرمود: " از میان بندگان خدا تنها عالمان از او می ترسند ". (نجاتی ، ۱۳۸۵ ، ص ۲۸۳)

۴- تکبر

غزالی منشأ تکبر را کوچک شمردن و سبک دانستن دیگران معرفی می کند . پیامبر (ص) ، با توصیف دو آفت، معنای

تکبر را این گونه بیان می دارد: « تکبر ، نپذیرفتن حق و کوچک شمردن خلق است » .

وجه نخستین آفت آن است که متکبر ، چون حق را از کسی بشنود ، بدلیل برتری طلبی ، خود بزرگ بینی و کوچک شمردن دیگران از پذیرفتن آن سرباز می زند و از آن سرپیچی می کند . وجه دومین آفت، آن است که خلق ، یکسره بندگان خداوند و بزرگی و تکبر بر آنها از آن اوست ؛ پس هرکس که بر بنده ای از بندگان خدا تکبر ورزد ، بطور قطع با حق خداوند به ستیز برخاسته است . (نجاتی ، ۱۳۸۵ ، ص ۱۹۷)

نظریه روانشناسان در تعریف رشد و تکامل هیجانی عاطفی

هر فرد عادی می داند که دارای عواطفی است و زندگی بدون عواطف ، زندگی تیره ، مکانیکی و بیرنگ خواهد بود . از طرف دیگر سلامت روانی و عقلی شخص به سلامت عاطفی او بستگی دارد . زیرا نظر شخص نسبت به خودش ، دیگران ، اوضاع اجتماعی ، زندگی به طور کلی از چگونگی رشد و تکامل ، عواطف وی متأثر می شود . روانشناسان در تعریف هیجان و عاطفه اختلاف نظر دارند . زیرا هر کدام در تعریف خود ، زاویه ای از آن را در نظر می گیرد ، چنانکه بعضی از ایشان به منشا دگرگونی هیجان توجه دارند ، و برخی از جنبه های عضوی آن را مورد توجه قرار می دهند و گروهی نیز می خواهند ماهیت هیجان و عاطفه را به فطری و فرهنگی تقسیم کنند .

استانلی : هیجان را نخستین پایه ای که انرژی روانی در پیدایش و دگرگونی خود بر آن استوار است تعریف می کند .

جیمز لنگه : معتقدند که ادراکات حالات عضوی یا بدنی باعث پیدایش حالات هیجانی و عاطفی می شود و هیجان و عاطفه در واقع همین ادراک است .

مکدوگال : هیجان را نشانه بروز غرایز و فطری می داند و آن را استعداد فطری پیچیده ای ، که تنظیم کننده غرایز و مظاهر حسی-حرکتی آنهاست تعریف می کند . (شعاری نژاد ، ۱۳۸۳ ، ص ۳۲۰)

اخلاق از دیدگاه دانشمندان و نهج البلاغه

امانوئل کانت کاری را اخلاقی می داند که از وجود انسان الهام گرفته باشد .

وجدان نیرویی است که از عقل و عاطفه که خداوند در درون انسان قرار داده و انسان را به انجام کارهای خیر و اجتناب از کارهای شر دعوت می کند .

نظریه نفع طلبی دوران دیشانه :

اخلاق در حقیقت همان منفعت طلبی است ، منتهی شخص عاقل ، شعاع را باید وسیع کند و فقط به منابع امروزش نیندیشد . در آن صورت منفعت هر یک از افراد با منفعت و مصلحت اجتماعی تطبیق پیدا می کند . در این باره قرآن کریم می فرماید : ((وانا من خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی * فان الجنة هی الماوی))

و آن کس که از مقام پروردگار خود ترسان باشد و نفس را از هوا و هوس باز دارد ، قطعاً بهشت جایگاه است . (مطهری ، ۱۳۸۹ ، ص ۲۷)

وجدان اخلاقی از نگاه امام علی (ع)، این عامل شریف و ارزنده در درون انسان ها وجود دارد و بذر اولی آن را در ذات خود احساس می کند. برای اثبات این معنی که بذر اساسی وجدان اخلاقی در ذات انسانها کاشته شده است، این استدلال را می توان در نظر گرفت. هیچ انسان عاقل هشیاری نمی تواند منکر این حقیقت باشد که به فعلیت رسیدن وجدان اخلاقی در انسانها موجب وصول جامعه بشری به امتیازات مادی و روحی فراوان و منتفی شدن دردهای خانمانسوز است که جامعه بشری همواره به آنها مبتلا بوده است. (جعفری، ۱۳۷۵، ص ۳۰۵)

راه های تسلط و کنترل بر هیجان (هیجان های منفی) از دیدگاه دانشمندان اسلامی

(۱) اندوه

از دیدگاه کندی یکی از روشهایی که برای خلاص شدن از اندوه به کار می رود این است که درباره اندوه بیندیشم و آن را بر دو قسمت تقسیم کنیم. یک نوع اندوه که بر اثر عمل ما بوجود می آید و نوع دیگر که در اثر عمل دیگری پدید می آید. اندوهی که نتیجه عمل ماست، با پرهیز از آن عمل قابل برطرف شدن است. اما اندوهی که نتیجه عمل دیگری است پیش از آنکه این عمل انجام شود شایسته نیست که در ما پدید آید و چون این عمل انجام شد و ما را اندوهگین ساخت، بر ما واجب است که بکوشیم تا چاره ای برای تلطیف آن بیابیم تا مدت زمان اندوه کوتاه شود. اگر در این مورد کوتاهی کنیم در برطرف ساختن بلایی که قابل دفع بوده است کوتاهی کرده ایم.

از دیدگاه مسکویه درمان اندوه حرص نوزیدن بر مطالبه ی دارایی های زوال پذیری دنیوی و مالکیت بر اموال ناپایدار آن است. از دیدگاه ابن قیم عبادت خدای متعال و مهرورزیدن به او از مهمترین عوامل درمان کننده حزن است. (نجاتی، ۱۳۸۵، ص ۴۵)

(۲) خودپسندی

برخی از روش هایی که برای درمان خودپسندی از دیدگاه ابن حزم مورد استفاده قرار می گیرد به این قرار است:

- کسی که دچار خودپسندی می شود باید عیوب نفسانی خویش را بشناسد. زیرا شناخت عیوب نفسانی راه درمان خودپسندی است. و نیز عیوب مردم را بشناسد تا از آنها اجتناب کند و اگر آن عیوب در خودش نیز وجود دارد آنها را بزداید.

- و اگر به سبب شجاعت، گرفتار عجب شده ای، به افرادی که شجاع تر از تو هستند، بیندیش آن گاه به زوال این شجاعت در سنین پیری ات فکر کن، که چون به آن سنین برسی، در شمار ضعیفان در خواهی آمد و چون کودکان، ناتوان خواهی شد. (همان، ۱۳۸۵، ص ۱۶۱)

(۳) تکبر

روش غزالی در درمان تکبر مشتمل بر موارد زیر است:

- کسی که گرفتار تکبر ورزیدن به نسب است، باید قلب خویش را با شناخت نسب حقیقی اش، که خاک و نطفه چرکین است، درمان می کند.

- کسی که به سبب زیبایی اش کبر می ورزد ، باید به باطن خویش بنگرد ، نه ظاهرش .

- درمان تکبر ناشی از قدرت ، آن است که بداند امراض و بیماری ها او را از هر ناتوانی ، ناتوان تر خواهند ساخت .

- کبر ورزیدن به تقوا و عبادت ، که آزمونی سترگ بر بندگان است . راه درمان این تکبر آن است که قلب خویش را به تواضع در برابر بندگان ، ملزم نماید . جز اصلی روش غزالی در درمان تکبر و دیگر خلق های ناپسند و بیماری های قلبی ، آموختن خلق های نیکو و ستوده متضاد با آن خلق هاست . (همان ، ۱۳۸۵ ، ص ۱۹۷)

نقش دین در زندگی انسان

دین و ایمان در زندگی بشر نقش به سزایی دارد ، که به بعضی از آنها اشاره می شود :

۱) پشتوانه اخلاق

از مهمترین آثار دینداری و ایمان به خداوند سبحان پشتوانه اخلاق است . زیرا اخلاق که خود یک سرمایه بزرگ زندگی اجتماعی و فردی است . بدون دین و دینداری اساس و پایه محکم و استواری ندارد زیرا سیمای همه ی اصول اخلاق و مشروعیت و ضمانت اجرایی آن ایمان و اعتقاد به خداوند سبحان است .

۲) رهایی از خودخواهی و هواپرستی

انسان هایی فاقد دین و ایمان ، معمولا هیچ انگیزه ای برای کنترل تعدیل غرایز نفس سرکش ، خودخواهی و شهوترانی ندارند . چون هیچ دلیل برای تعدیل آن ندارند ، از این رو ، برای ارضای شهوت خود از هیچ تلاش و عمل دریغ نمی کنند و از طرفی از سیری ناپذیری و فزون طلبی نفس خویش به شدت رنج می برند . تنها راه رهایی از این رذایل اخلاقی آرامش فکری و سلامتی نفس انسانها را به خطر انداخته است ، پای بندی به دین و تقویت ایمان و کنترل تبدیل غرایز و هواهای نفسانی از راه تهذیب و تزکیه نفس در پرتو تعالیم دینی است .

۳) آرامش روحی روانی

ایمان به خداوند سبحان و ایجاد پیوند معنوی با پروردگار جهان ، دعا راز و نیاز با او در خلوتگاه عبادت و بندگی است که به انسانها آرامش می بخشد .

۴) امیدواری

انسان دیندار و با ایمان ، قره وجودش به دریای بی کران فضل خداوند سبحان متصل است و پیوسته با نشاط و دلگرمی بسوی کمال رهسپار و در برابر حوادث روزگار استوار است .

۵) بهبود روابط اجتماعی

انسان دیندار دارای تعهد و حس مسئولیتی است نسبت به همنوعان و افراد اجتماع از هر قشر و نژاد که باشند، و دین بدر صلح و صفا و اعتماد و علاقه نسبت به یکدیگر را در دل آنها می باشد، موجب می شود که اجتماع و زندگی جمعی، سالم و مطلوب می شود و رابط اجتماعی بهبود یابد. (دهقانی، ۱۳۸۴، ص ۳۷۷)

یکی دیگر از عوامل بنیادی در آرامش بخشی به زندگی انسان ها آنگونه که آموزه های نهج البلاغه نشان داده است، زهدپیشگی و آزاد شدن از نیروها، نقش ها و وابستگی هایی است که آزادگی، عزت، شرافت و بزرگی انسان را به خطر می اندازد.

فطریات یا خواسته های روحی انسان عبارتند از

- ۱) حقیقت جویی: می توان این مقوله را مقوله دانایی یا مقوله دریافت واقعیت جهان بنامیم.
- ۲) خیرخواهی: این گرایش همان چیزی است که آن را «اخلاق» یا خیر اخلاقی می نامیم.
- ۳) گرایش به خلاقیت و ابداع: گرایش در انسان هست که او را وادار به نوآوری می کند.

نتیجه گیری :

نهج البلاغه بزرگترین اثر جاودانه در دایره فرهنگ ، علم و اندیشه بشری است . کتابی است مشحون از درس های زندگی انسانی اعم از سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و غیره . این اثر جاوید دارای مباحث و فنون تخصصی است که یکی از این مباحث مربوط به علم روانشناسی و روانکاوای است که نیاز به ترجمه و تفسیر دقیق دارد . که می توان با پژوهش در زمینه احساس هیجان در نهج البلاغه و به معنا و مفهوم و نتایجی دست یافت که از مقاله حاضر نتایج زیر بدست آمده است .

هر فردی دارای عواطفی است و زندگی بدون عواطف و هیجان ، زندگی تیره ، مکانیکی و بیرنگ خواهد بود . از طرف دیگر ، سلامت روانی ، عقل شخص به سلامت عاطفی او بستگی دارد . با توجه به مسئله هیجان و انگیزش در ادبیات تحقیق ، ارتباط این دو مسئله یک امر نسبی است . از یک طرف هیجان یک انگیزش نامیده می شود . زیرا هیجان ها کار انگیزه را انجام می دهند ، بنابراین هیجان انگیزه رفتار است . از طرف دیگر انگیزه از درون برانگیخته می شود ، هیجان و انگیزه از نظر تحریک و اثری که بر رفتار می گذارند با یکدیگر متفاوت است .

با توجه به ابعاد هیجان که از دیدگاه امام علی ^(علیه السلام) مورد بررسی واقع شده است ، نتایج اساسی این است که هیجان دارای ابعاد مثبتی چون مسئولیت پذیری ، خودشناسی و ... می باشد که بعد مسئولیت پذیری از دیدگاه نهج البلاغه باعث بالندگی انسان می شود . در بعد خودشناسی امام علی ^(علیه السلام) خودشناسی را نشانه خودباوری می داند و همچنین هیجان دارای ابعاد منفی مانند ، سلطه پذیری ، خوف و عشق دروغین است . حالات هیجانی بر روی رفتار موثر است به طوری که اگر فوق العاده شدید باشند رفتار را مختل می کنند و باعث بی نظمی در آن می گردند اما وقتی که از شدت کمتری برخوردار باشند فعالیت آدمی را تسهیل می نمایند همچنین هیجان برای بقا حیات لازم است زیرا در اثر ظهور هیجان تغییراتی در بدن ایجاد می شود که شخص را آماده دفاع می نماید .

بنابراین هدف اصلی هیجان آن است که تعادل از میان رفته را در اثر اضطراب و اختلال به او برگرداند و سعادت او را که عبارت از حفظ و تعادل و سازگاری با محیط و اجتماع است را تامین کند .

منابع فارسی

- * ابراهیمی ، ناصر (۱۳۷۹) *دری به شهر دانش* ، انتشارات تهران ، تهران ، چاپ اول .
- * دهقانی ، رضا (۱۳۸۴) ، *آینه فضیلت در شرح خطبه متقین* ، تهران ، چاپ اول .
- * دشتی ، محمد (۱۳۸۶) ، *نهج البلاغه* ، انتشارات بوستان ، تهران ، چاپ سوم .
- * شعاری نژاد ، علی اکبر (۱۳۵۴) ، *روانشناسی عمومی* ، انتشارات دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران ، تهران ، چاپ سوم .
- * شعاری نژاد ، علی اکبر ، (۱۳۸۳) *روانشناسی رشد* ، انتشارات تهران ، چاپ شانزدهم .
- * طاهری ، ابولقاسم ، (۱۳۸۱) ، *برگی از دفتر انسان شناسی از دیدگاه نهج البلاغه* ، انتشارات تهران ورجاوند ، تهران ، چاپ اول .
- * کریمی ، عبدالعظیم ، (۱۳۷۹) ، *دری به شهر علم* ، تهران ، چاپ اول .
- * مطهری ، مرتضی ، (۱۳۸۱) ، *بیست گفتار* ، انتشارات صدرا ، تهران ، چاپ هجدهم .
- * مطهری ، مرتضی ، (۱۳۸۹) *سرشت و سرنوشت* ، تهران ، چاپ هفتم .
- * نجاتی ، محمد عثمان ، (۱۳۸۵) *علم النفس روانشناسی از دیدگاه دانشمندان مسلمان* ، مترجم ، سعید بهشتی ، انتشارات رشد ، تهران ، چاپ اول .

منابع لاتین

- * اسپرلینگ ، آبرهام ، (۱۹۸۲) *روانشناسی یا روش علمی در شناخت ماهیت آدمی* ، مترجم مهدی محی الدین بناب
- * جیمز ، ویلیام ، (۱۳۸۷) *روانشناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز* ، مترجم ، مسعود آذربایجانی ، انتشارات قم ، قم ، چاپ اول .

Abstract

The term "Excitement" in the psychology is defined as a short and general response of the organism to an unexpected situation, along with a pleasant or unpleasant emotional state. The present research for investigating a sense of excitement in Nahj-o-Ibalagheh from the perspective of Imam Ali has been made. This research using descriptive library method has been studied. In this paper, after summarizing and review of key concepts emotional dimensions such as responsibility, self-knowledge, reason, and alienation from the perspective of Imam Ali, the adaptive views of Islamic and non-Islamic scientists and Nahj-o-Ibalagheh about the excitement will be studied. This means whether feeling the excitement in Nahj-o-Ibalagheh is the excitement in the science of psychology or not. The result from the present research is that every normal person has the emotions that a life without emotions will be strained. The main objective of excitement should be something that returns back the missing balance because of the anxiety and provide the happiness which is maintaining the balance and the compatibility with the environment and the community. Therefore, considering the importance of a sense of excitement, in this paper, the more complete meaning of the sense of excitement scientifically and with emphasis on related Hadith in Nahj-o-Ibalagheh will be studied.

Keywords :

Feeling, emotion, Nahj-o-Ibalagheh